



2015/ 10/13



جلیل غنی

تغییر نام «بند سلمه» لجاجت سیاسی یا بخشش حاتم طائی

اخیراً کابینه افغانستان تصمیم گرفت که نام «بند سلمه» را در ولسوالی چشت شریف ولایت هرات بنام «بند دوستی افغان- هند» تبدیل کند که اقدامی است منافی فرهنگ و داشته های ملی و فرهنگی افغانستان. شکی نیست که کشور دوست افغانستان، هند، یکی از کشور های بوده است که روابط نیک و حسنه با مردم افغانستان، به استثنای دوره تهاجم قشون سرخ شوروی سابقه بر افغانستان و حکومت کمونیستی حزب دموکراتیک خلق، داشته است و در آن دوران یکی از حامیان این حکومت در جامعه بین المللی بود. ولی با سقوط آخرین حکومت آن دوران به رهبری داکتر نجیب، هند نیز تغییر روش داد و بار دیگر مسیر هم نوائی و همکاری با مردم افغانستان را در پیش گرفت مخصوصاً این روش پس از سقوط نظام طالبی بیشتر مشهود گردید و به همکاری های مالی و تکنیکی به افغانستان افزود. هند یکی از کشور های است که کمک های آن بیشتر در زیر ساختها و بخش تعلیم و تربیه برای افغانستان متمرکز است که میتواند اشتباهات دهه تهاجم شوروی بر افغانستان را جبران نماید. اعمار «بند سلمه» در ولایت هرات یکی از پروژه های عمده ای است که هند در افغانستان داشته است و سوابق آن به ده ها سال قبل از آنچه در سه دهه اخیر در افغانستان اتفاق افتاده است، می رسد.

کار ساختمان «بند سلمه» نخست در سال 1976 بر بستر دریای هری رود آغاز گردید ولی در همان سالهای اول جنگ داخلی بین تنظیم های جهادی صدمه دید و کار اعمار آن متوقف شد. یک شرکت هندی در سال 1988 قرار داد اعمار این بند را بدست آورد ولی برای مدت زیادی در اثر بی ثباتی اوضاع امنیتی و سیاسی ناشی از جنگ های داخلی متوقف شد. در سال 2006 هند به تمویل این پروژه با مصرف تخمینی دو صد میلیون دالر امریکائی متعهد شد. بند سلمه میتواند 42 میگاوات برق آبی تولید کند و در حدود هشتاد هزار هکتار زمین را آبیاری نماید.

در جنوری سال 2013 کابینه هند مصرف تجدید نظر شده ای این بند را برای اكمال آن تصویب نمود و اعلام داشت که کار اعمار آن در دسمبر 2014 تکمیل خواهد شد. ذخیره آب در بند سلمه در 26 جولای 2015 آغاز گردید. ساختمان این بند همراه با تخریبات و مشکلاتی بود که دو همسایه غربی و جنوبی افغانستان، ایران و پاکستان، هم برای هند و هم برای افغانستان خلق میکردند. ایران به این منظور که از آب دریای هریرود استفاده نا مشروع و آزاد و بدون قید و شرط می نمود و نمی خواست که چنین ثروت باد آورده را از دست بدهد و پاکستان برای اینکه از نفوذ هند در افغانستان، به زعم آن کشور، جلوگیری کرده باشد و از جانبی هم نظر به رقابت های سیاسی و مناقشات منطقوی که با هند دارد کوشش داشت بر هند و سیاست های آن در افغانستان ضربه بزند.

عده ای را عقیده بر این است که سیاستمداران در ایران سعی نمودند کار اعمار این بند را متوقف سازند. پولیس ملی افغانستان در محل گزارش داده بود که حکومت ایران به اعضای محلی طالبان پول میداد که با ساختمان این بند مخالفت نمایند. در سال 2009 نجیب الله کابلی یک عضو پارلمان از ولایت کابل، ایران را متهم نمود که در ساختمان این بند مداخله میکند. یکی از مامورین عالی رتبه افغانستان اذعان داشت که تاریخ اكمال این بند در هراس از تخریبکاری های بیشتر ایران سری نگهداشته شده بود چنانچه سفیر ایران هنگام تکمیل این بند اعتراف کرده بود که «ما را غافلگیر نمودید»

زمانیکه عبدالقدوس قیام ولسوال چشت شریف همراه با پنج مامور امنیتی در جنوری سال 2010 کشته شد، رسانه های افغانستان آنرا یک حمله شورشان خواندند. طالبان مسئولیت این حمله را متقبل شدند ولی تعدادی از هراتیان آنرا بخشی از مشکل وسیعتری دانستند که آن ولایت با ایران دارد. آقای قیام یکی از کسانی بود که بر ساختمان این بند تاکید داشت.

در ماه مارچ سال 2013 اداره امنیت ملی افغانستان ادعا کرد که طالبان مربوط شورای کویته کوشش کردند این بند را با 1300 کیلو گرام مواد منفجره منفجر سازند. به موجب اظهارات شفیق الله طاهری سخنگوی اداره امنیت ملی افغانستان ملا عبدالغنی یک عضو شورای کویته که حملات انتحاری را طرح ریزی میکند در عقب این دسیسه قرار داشت که مواد منفجره را از بلوچستان پاکستان انتقال داده بود. کسی بنام سید گل به این ارتباط باز داشت گردید.

هند 300 میلیون دالر را برای ساختمان بند سلمه مصرف نمود و علاوه بر آن تعداد معدودی از انجیران و تخنیکران این کشور در اثر حملات تخریب کارانه و دهشت افکنانه در جریان ساختمان این بند کشته شدند. بند سلمه که بیست کیلو متر طول و سه کیلو متر عرض دارد، انتظار می رود تا نه ماه دیگر آب گیری ذخیره آن تکمیل گردد.

کابینه افغانستان اخیراً فیصله نمود که نام این بند از «سلمه» به «بند دوستی افغان - هند» به پاس خدمات و تلفات هندی ها نام گذاری شود. و استدلال ضعیف آنها هم این بود که «سلمه» نام یک قریه کوچکی است که این بند در آن محل موقعیت دارد. این که «سلمه» نام قریه کوچکی است شکی نیست ولی یکی از قریه های افغانستان است که تا افغانها یاد آوری کرده می توانند به همین نام مسمی بوده و منفعت بزرگ اقتصادی برای آبیاری هشتاد هزار هکتار زمین و تهیه برق برای ده ها هزار خانوار و زیر ساختهای تولیدی را با خود حمل میکنند. در حالیکه از همکاری های مالی و تخنیکی کشور دوست، هند، و تلفاتی که افراد آن در جریان ساختمان این بند و اجرای وظایفی که از طرف کشور شان و شرکت ساختمانی متعلقه به آنها داده شده بود متحمل شده اند، باید تقدیر نمود اما نه به بخشیدن نام های تاریخی ولو کوچک در سطح یک قریه. دولت افغانستان می توانست آبدۀ یاد گاری به پاس خدمات هند و انجیران آنها اعمار نماید و یا قسمتی از سرکی را که به این بند منتهی می شد بنام سرک دوستی افغان - هند بنامد نه اینکه پیشینه ایجاد نماید که فردا سایر کشور ها مثل ایران همسایه دیگر افغانستان با کمک بیش از پنجصد میلیون دالری که ادعا میشود به افغانستان مساعدت کرده تقاضای نام گذاری محل دیگری را نماید و یا هم کشور های دیگر. شاید یکی از دلایلی که کابینه تصمیم گرفت بند «سلمه» را بنام «بند دوستی افغان-هند» بنامد در ضدیت با پاکستان بوده باشد تا به پاکستان نشان دهد که دوستی افغانستان و هند، رقیب قسم خورده آن، تا چه حد عمیق است. اگر با چنین نیت و طرز دیدی، که بدون هیچگونه شک و تردید خود سرانه و بدون تأیید قبلی و استشاره رهبران دولت، آقایان داکتر غنی و داکتر عبدالله، کابینه چنین پیشنهادی را حتی به مجلس مطرح کرده نمی تواند، این تصمیم اتخاذ شده باشد، جز یک لجاجت سیاسی چیز دیگری تعبیر شده نمی تواند آنهم لجاجتی که یک نام تاریخی را ولو یک قریه کوچک در گوشه دور افتاده کشور، در معرض معامله قرار میدهد. «سلمه» همچنان نام کسی نیست که بتوان آنرا یا با تغییر تابعیت آن شخص و یا هم نا خوش آیند به سلیقه شخصی، تغییر داد و یا هم به اصطلاح لک بخشی های به نوع حاتم طائی نمود. این نام حق ملت افغانستان است و نه ملکیت شخصی کسی که آنرا به ذوق و با در نظر داشت منافع و روابط شخصی تغییر دهد.

خرج اگر از کیسه مهمان بود

حاتم طائی شدن آسان بود

در پانزده سال گذشته چهل و دو کشور در افغانستان حضور نظامی و مالی داشته اند و هر یک از این کشور ها از میلیونها دالر تا میلیارد ها دالر یا کمک نمودند و یا مصرف کردند، از ده ها تا هزاران دختر و جوان شان را قربانی دادند آیا باید به هر یک از کشور ها نام جایی را بخشید؟

وقتی به گذشته نه چندان دور می نگریم ساختمانها، جاده ها، شاهراه ها، فابریکه ها، و بند و انباری که در افغانستان ساخته شده هیچ یک بنام کشوری و یا شرکتی نیست. نمونه های بارز آن فابریکه جنگلک که در زمان جنگهای تنظیمی ویران شد و ماشین آلات آن به نرخ آهن پاره در پاکستان بفروش رسید، فابریکه جبل السراج، فابریکه نساجی پل خمیری، فابریکه پشمینه بافی قندهار، و ده ها فابریکه خورد و بزرگ دیگر، شاهراه های کابل-قندهار، قندهار - هرات، کابل - مزار شریف، تونل سالنگ، بند نغلو، بند سروبی، بند کجکی، بند سرده، بند دهله و ده ها پروژه دیگر. ولی می بینیم هیچ یک از این پروژه ها، چه خورد و چه بزرگ، بنام کسی و یا کشوری نیست و خصوصیت افغانی آن در هر نقطه که موقعیت داشته حفظ شده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اگر قرار باشد بر اساس تلفات و مصارف کشور های که در پانزده سال گذشته در افغانستان یا قربانی داده اند یا معاونت های تخنیک و مالی نموده اند مناطق را یکی پی دیگری بنام این کشور ها کنیم نه تنها افتخارات و نام های تاریخی را از دست خواهیم داد بلکه هویت ملی و افغانی هم در معرض معامله قرار میگیرد. تهیه ارقام موثق و درست از تمام کشور های که در افغانستان سرمایه گذاری جانی و مالی کرده اند در دست نیست ولی تا جاییکه معلوم است مثلاً ایالات متحده آمریکا تنها سال یکصد و ده میلیارد دلار را علاوه بر میلیارد ها دلار مساعدت های مالی و تخنیک برای باز سازی افغانستان، صرف جنگ علیه دهشت افگنی و تقویه قوای نظامی افغانستان کرده است آیا باید کدام قشله عسکری و یا مثلاً بالاحصار تاریخی را بنام دوستی افغان-امریکا نام گذاری کرد؟ ابداً نه. به همین ترتیب کشور های عضو پیمان ناتو همه هم کمک مالی نمودند و هم تلفاتی را در جنگ علیه القاعده و طالب در افغانستان متحمل شده اند تا دولت نو پای و متزلزل افغانستان را کمک کرده باشند.

برای توضیح بیشتر از تلفات این کشورها توجه را به جدول تلفات کشور های عضو پیمان ناتو در افغانستان جلب میکنم

Year	US	UK	Other	Total
2001	12	0	0	12
2002	49	3	18	70
2003	48	0	10	58
2004	52	1	7	60
2005	99	1	31	131
2006	98	39	54	191
2007	117	42	73	232
2008	155	51	89	295
2009	317	108	96	521
2010	499	103	109	711
2011	418	46	102	566
2012	310	44	48	402
2013	127	9	25	161
2014	55	6	14	75
2015	14	0	3	17
Total	2370	453	679	3502

با مطالعه این جدول دیده میشود که مجموعاً این کشور ها 3502 سرباز و شهروند شانرا در افغانستان از دست داده اند که بیشترین آن از ایالات متحده یعنی 2370 نفر است و از برتانیه بدرجه دوم 453 نفر و از سایر کشور های عضو ناتو در افغانستان مجموعاً 679 نفر.

شکی نیست که ملت افغانستان سپاسگذار قربانی ها و مساعدت های است که جامعه جهانی برای نجات آن از ستم طالب و نظام متحجر آن داده است و هنوز هم این مساعدتها ادامه دارد، ولی این ملت، با افتخارات تاریخی و گذشته پر آشوب آن، هیچگاهی حاضر نخواهد بود از جزئی ترین و کوچکترین منفعت ملی و افتخارات تاریخی خود در برابر هیچ قدرتی بگذرد.

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ